

بنا

@anjomanalzahra

@anjoman_islami_alzahra

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)

سال هشتم • شماره ۷۷

۸ صفحه • بهمن ماه ۱۴۰۲

ماهنامه سیاسی

هر نفر یک رای

آیا افزایش مشارکت در گرو افزایش رقابت است؟

«ص ۲»



سخن سردبیر

تکرار دوباره یک اشتباه؟

در این روزهای منتهی به تاریخ ۱۱ اسفند و حتی چندی قبل تر از آن چالشی با عنوان تحریم انتخابات تا حد زیادی پیرنگ شده است. یکی از نتایج منفی تحریم انتخابات برای حزب تحریم کننده، به حاشیه رانده شدن آن از عرصه سیاسی خواهد بود. البته این نتیجه‌ای رایج و قابل پیش‌بینی است؛ زیرا تحریم انتخابات به این معناست که احزاب معترض به‌طور خودخواسته، از رقابت دوره‌ای برای کسب کرسی‌های انتخابی کناره‌گیری می‌کند. این نتیجه هنگامی قطعی می‌شود که این نکته را بیفزاییم که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، کنترل دولت و وزارتخانه‌های آن به معنای کنترل مراکز حساس اداره‌ی کشور است. بنابراین استراتژی شرکت نکردن در قدرت حاکمه، حزب معترض را تبدیل به یک اپوزیسیون پرسروصدایی می‌کند که تأثیری در رقابت برای کسب منابع محدود دولتی ندارد. در واقع احزاب معترض که فاقد ابزارهای واقعی برای تصاحب کرسی‌های انتخابی هستند، وادار به تکیه بر نارضایتی مردم از وضعیت موجود می‌شود و آن را به وسیله‌ای برای بسیج علیه حکومت تبدیل می‌کند.

افرادی که در آستانه انتخابات مدام بحث «خالص‌سازی» را مطرح می‌کنند، باید در این زمینه توضیح دهند که منظور از خالص‌سازی چیست؛ اگر منظور، خالص‌سازی از عده زیادی از جریان‌های مورد قبول نظام باشد، ما هرگز این خالص‌سازی را قبول نداریم و معتقدیم باید تمام احزاب، تشکل‌ها و جریان‌های سیاسی را که زیر سایه نظام جمهوری اسلامی مشغول به خدمت هستند، خودی بدانیم و به این مسأله توجه داشته باشیم که دویست، افتراق و جدایی به‌هیچ‌عنوان به مصلحت نیست و از سوی دیگر انقلاب ملک‌طلق یک جریان و گروه نیست و انقلاب اسلامی برای همه است.

نرگس خطیب دماوندی

این شماره از بی‌تعارف با افتخار تقدیم می‌شود به: تمام افرادی که در این انتخابات شرکت کردند و آنان که ایران پرستان واقعی هستند.



قاب نوزدهم: بیست و هشتم بهمن ۵۷ سالروز دیدار تاریخی یاسر عرفات و امام خمینی



هر نفر یک رای

آیا افزایش مشارکت در گرو افزایش رقابت است؟

● نرگس خطیب دماوندی - کارشناسی زیست گیاهی



مشارکت‌پذیری بالا در انتخابات و همچنین رعایت ضوابط قانونی برای تایید صلاحیت داوطلبین اقدام کرده است و آمار نشان می‌دهد تقریباً ۷۳ درصد داوطلبین صلاحیت‌شان برای حضور در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی احراز شده است که این موضوع نیز آمار مهمی است.

عملکرد شورای نگهبان همچنین خط بطلانی بر روی ادعای همیشگی برخی جریان‌های سیاسی کشید که مدعی بودند فضای باز سیاسی برای ورود گروه‌ها و جناح‌های مختلف سیاسی وجود ندارد. این موضوع تا جایی است که رییس دولت اصلاحات به مهیا بودن فضای انتخابات با حالت افسوس و پشیمانی اشاره کرده و می‌گوید:

از اقشار و سلايق سياسي مختلف ايجاد کرده است؛ چراکه بر اساس آمار به‌دست‌آمده با کار شورای نگهبان تقریباً بالای ۱۵ هزار داوطلب انتخابات تایید صلاحیت شده‌اند که به‌طور سرانگشتی این موضوع نشان می‌دهد نسبت به دوره گذشته بر تعداد کاندیداها به‌طور سه برابر در مناطق مختلف کشور افزوده شده که این موضوع ارزشمند است و توان رقابتی بالایی را ايجاد می‌کند. این موضوع نشان می‌دهد شورای نگهبان در عمل به وظایف خود ضمن رعایت خط قرمزها نگاهی هم به موضوع محوری رقابت‌پذیری انتخابات نیز داشته است. این در حالی است که رهبر معظم انقلاب نیز نسبت به مشارکت بالا در انتخابات تاکید کرده بودند این‌شورا با نگاه

واقعیت این است که ملت ایران در کلیت خود به آرمان‌های انقلاب اسلامی و خط کلی و گفتمان انقلاب و چارچوب ساختاری نظام جمهوری اسلامی معتقد و متعهد است. اگرچه برخی سوءمدیریت‌ها و ناکارآمدی‌ها و مشکلات به‌وجود آمده در عرصه اقتصادی ناخشنودی‌ها و دل‌سردی‌هایی ايجاد کرده است، اما با این حال اکثریت ملت ایران همچنان معتقد و متعهد به نظام و گفتمان انقلاب است و تحقق خواست‌ها و مطالبات خود را در چارچوب این نظام دنبال می‌کند. به نظر می‌رسد در این راستا عملکرد شورای نگهبان به عنوان یک نهاد نظارتی نیز قابل توجه و حتی در این دوره قابل تقدیر است که چنین ظرفیت و پتانسیل رقابتی با حضور کاندیداهاى مختلف



تحریف‌گران سخن رهبری کسانی‌اند که از میان این اصول چهارگانه دست به انتخاب می‌زنند. یکی، دوتا را برجسته می‌کنند اما به یکی، دوتای دیگر التفات ندارند. برخی با توسل به اصل «سلامت» عنصر «رقابت» را نادیده می‌گیرند و برخی دیگر به اصل «امنیت» تشبث می‌کنند تا از ضرورت و اهمیت اصل «مشارکت» بکاهند. می‌توان در جریان‌ات سیاسی کشور، صدهایی را یافت که معتقدند به دلیل شرایط جاری منطقه و بین‌الملل، اصل «امنیت» بر سه اصل دیگر رجحان دارد. چنین مصلحت‌سنجی‌هایی، راهبرد حکیمانه «میزان، رأی ملت است» را تعلیق می‌کند و «خواست مردم» را از فیصله بخش بودن و فصل‌الخطاب بودن ساقط می‌نماید. اما پیداست که انتخابات در گفتار رهبری، وقتی مطلوب تلقی می‌شود که این چهار اصل، با هم و ذیل راهبردهای «جذب حداکثری و دفع حداکثری» و نیز «حق‌الناس دانستن رأی مردم» محل توجه باشد.

تعدد لیست‌های انتخاباتی به خوبی گویای دست باز گروه‌های سیاسی برای حضور در انتخاباتی است که در سرنوشت سیاسی ایرانیان نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کند.

به نظر می‌رسد رکن اصلی در افزایش مشارکت عمومی، تأمین عنصر «رقابت»، البته با حضور رقابت‌کنندگان واقعی و اصلی است. اگر ذهن جمعی ایرانیان، میدان انتخابات را خالی از رقبای اصلی ببینند و احساس کنند «حق انتخابش» محدود شده و گزینه‌های حقیقی رقابت در فهرست تأییدشدگان نیست چه انگیزه‌ای برای مشارکت در این اقدام ملی خواهد داشت؟ مقام معظم رهبری چهار اصل «امنیت، مشارکت، سلامت و رقابت» را از ارکان یک انتخابات مطلوب دانسته و متولیان را به تأمین این اصول و ارکان فراخوانده‌اند. این اصول در کنار راهبرد «جذب حداکثری، دفع حداکثری»، می‌تواند به خودی خود چشم‌انداز یک انتخابات پرشور، سالم، رقابت‌آمیز، امن و ایمن و سالم و قابل اعتماد را رقم بزند. به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین

«کاش سخنان رهبری درباره انتخابات آزاد، مشارکتی و رقابتی و امکان حضور همه جریان‌ها یا نامزدهای مورد نظر خود، خیلی پیش‌تر بیان می‌شد؛ چون می‌توانست ما را به انتخابات قابل قبول نزدیک کند». مفهوم این سخنان آن است که بخش رادیکال اصلاحات که با پیش‌فرض رد صلاحیت گسترده، در انتخابات ثبت‌نام نکردند، از عمل خود پشیمان است و اگر فرض درستی داشتند، ثبت‌نام می‌کردند.

در کجای انتخابات‌های دنیا به‌ویژه در پارلمان‌های غربی و اروپایی برای هر کرسی مجلس ۵۰ نفر با هم رقابت می‌کنند؟ این در شرایطی است که در همین کشورها هم انتخابات به گونه‌ای هدایت و مدیریت می‌شود که دست‌کم دو الی سه نفر برای کرسی‌های پارلمان وارد چالش رقابت با یکدیگر می‌شوند. از این لحاظ نیز عملکرد شورای نگهبان برای هرچه رقابت‌پذیر کردن انتخابات مجلس جای تقدیر دارد. این موضوع خاصه در استان‌ها که فضای انتخاباتی مربوط به خود را دارند به خوبی خود را نشان می‌دهد و در تهران نیز

می خواهند حمام خون به راه بیندازند

قدرت را باید از دستشان درآورد

● ریحانه زین‌الدینی - کارشناسی عمران

اراضی ممکن. اسرائیل، بی‌توجه به سکونتگاه جغرافیایی و یا قانونی فلسطینیان، آنان را اخراج می‌کند، از حقوق خود محروم می‌سازد و یا در مناطق کوچک متمرکز می‌کند. این اقدامات در منطقه کرانه باختری رود اردن با اقدامات نظامی حمایت می‌شود و در شرق اورشلیم با ترکیبی از

آتش‌بس را ضدونقیض نشان می‌دهد، خروجی آن یک مساله مشخص علیه مقاومت فلسطین است. در مورد جلسات اخیر مقام‌های ایالات متحده، مصر، قطر و رژیم صهیونیستی در قاهره که برای توافق بر سر برقراری آتش‌بس برگزار شد و البته خروجی آن منفی بود، در اساس دلایل مشخصی وجود دارد که

بیش از ۱۳۰ روز است که از جنگ اسرائیل علیه نوار غزه می‌گذرد و این باریکه همچنان زیر حملات رژیم صهیونیستی قرار دارد. پس از آتش‌بسی که در میانه جنگ انجام شد، رسانه‌ها چندین بار اعلام کرده بودند که آتش‌بس و مذاکرات آن در دسترس است که باید بگویم این یک دام و حربه رسانه‌ای بود. متأسفانه بسیاری



اقدامات نظامی و اجرایی و در اراضی اشغالی اسرائیل با حقوق مدنی اسرائیل همین کار را در غزه با محاصره و جنگ انجام می‌دهد.

اسرائیل محاصره فلج‌کننده و حملات ویرانگر خود به غزه را پاسخی ضروری به آتش موشک‌های حماس می‌داند. بر اساس سناریوی اسرائیل، حماس

ریشه آن طبق معمول همیشه در آمریکا و اسرائیل است. سیاست‌های اسرائیل در برخورد با فلسطینیان از دو وجه نشات می‌گیرند:

به‌دست آوردن بیشترین مقدار از اراضی فلسطینیان با کمترین میزان جمعیت فلسطینی. متمرکز کردن بیشترین تعداد ممکن از فلسطینیان در کمترین

از رسانه‌های منطقه ناخواسته اخبار ضدونقیض در مورد آتش‌بس را منتشر می‌کردند که این مساله یک امید کاذب ایجاد کرد و چندی بعد به یأس تبدیل می‌شد و در نهایت باعث شد که فشار افکار عمومی به مقاومت افزایش پیدا کند. بر این اساس در مورد اخباری که منتشر می‌شود و دائم بحث

متجاوزی قدرتمند است و بدون وجود حماس جنگی نیز در کار نخواهد بود.

سران رژیم صهیونیستی سابقه اعمال چنین خشونت‌هایی را بر سر مردم غزه داشته‌اند و این بار هم دقیقاً می‌دانستند که این حجم بمباران دیوانه‌کننده بر سر غیرنظامیان چه سختی‌هایی را بر آن‌ها تحمیل خواهد کرد. حجم جنایات رژیم در این سری درگیری‌ها اما نشان می‌دهد که به دنبال چیزی فراتر از گرفتن انتقام اشغالگران کشته‌شده در ۱۵ مهرماه باشد. در همان روزهای اولیه جنگ حرف‌هایی مبنی بر این که رژیم صهیونیستی قصد دارد مردم غزه را به اجبار به صحرای سینای مصر کوچ دهد پخش شد. مقامات رژیم در صحبت‌های خود به نابودی کامل حماس و مقاومت در غزه صحبت کردند. به جایی رسیدند که برخی به این نتیجه رسیدند، اسرائیل می‌خواهد غزه را به برهوتی خالی از هرگونه موجود زنده تبدیل کند. در کنار این مطلب بی‌سابقه اما قله بلند غزه خودنمایی کرد.

هرچقدر که فشار جنگ بر مردم غزه بیشتر می‌شود، صحنه‌های زیباتری از ایمان مردم غزه به خداوند و صبر آن‌ها در برابر مشکلات خلق می‌شود.

حماس واقعا یک ایدئولوژی مبتنی بر اراده برای آزادی فلسطین است و این ایدئولوژی همان ایدئولوژی است که هر فلسطینی حتی آن‌هایی که به دیگر گروه‌های فلسطینی وابسته هستند، آن را می‌پذیرند.

حماس نماینده فلسطینی‌هایی است که به حقوق خود پایبند هستند و برای بازپس‌گیری حقوق خود آماده فدا کردن جانشان هستند. حماس نماینده نسل جدید فلسطین است.

افکار عمومی جهان نیز این جنگ را جنگ فلسطینیان می‌داند و آن را صرفاً جنگ حماس با اسرائیل نمی‌نگرد. نوع شعارهای راهپیمایی‌های کشورهای مختلف نیز این را به وضوح یادآور می‌شود. در برخی کشورهای اروپایی تلاش شد، حضور در راهپیمایی‌های اعتراضی را به ادعای حمایت از حماس منع و ممنوع کنند، اما افکار عمومی

زیر بار این موضوع نرفت، چراکه آن را حمایت از فلسطین می‌دانست. روند افکار عمومی جهان در واکنش رو به گسترش ملت‌های جهان قابل تامل، ارزیابی و تحلیل است. فشار افکار عمومی جهان به گونه‌ای بوده است که بسیاری از دولت‌های حامی اسرائیل مجبور به اتخاذ مواضع دوپهلوی و محافظه‌کارانه شده‌اند؛ درحالی‌که در هفته نخست حمله به غزه به شدت حامی اسرائیل بوده‌اند. راهپیمایی بیش از پانصد هزار تن در لندن گواهی بر این ادعاست. دامنه فجایع ارتش اسرائیل به گونه‌ای بوده است که پنج کشور جهان رسماً به دادگاه لاهه برای جنایات جنگی اسرائیل شکایت برده‌اند. اینک کمتر رسانه یا مقام سیاسی را می‌شناسیم که حاضر باشد از عملیات اسرائیل بی‌قیدوشرط دفاع کند. حتی نتانیاهو هم می‌گوید: «متأسفانه نتوانستیم بین غیرنظامیان و نظامیان تفکیک ایجاد کنیم.» همین یک جمله کافی است که درک بهتری از افکار عمومی جهان پیدا کنیم.



مهدور الدم

ابلاغ فتوای امام خمینی (ره) پیرامون قتل مشروع سلمان رشدی توسط مسلمانان

● ریحانه صالحی فر - کارشناسی علوم تربیتی

بسمه تعالی

إنا لله و انا اليه راجعون

«به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آن‌ها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هرکس در این راه کشته شود، شهید است ان‌شاءالله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته».

روح‌الله الموسوی الخمینی

این حکم در وصف فردی به نام سر احمد سلمان رشدی نویسنده بریتانیایی-آمریکایی با اصالتی هندی زاده ۱۹ ژوئن ۱۹۴۷ صادر شده است. او در خانواده‌ای مسلمان متولد شد ولی حواشی مربوط به زندگی او نشان می‌دهد که سلمان رشدی علاقه‌ای به دین و دینداری نداشته و همانگونه که خود او در خاطراتش گفته است خانواده او تنها نام مسلمان را بر دوش می‌کشیدند و نشانی از اسلام در میان آنها دیده نمی‌شده است. همه چیز از آنجا شروع شد که او برای ادامه تحصیل به انگلیس رفت و پس از گذشت زمانی به تبعیت این کشور درآمد. سلمان رشدی کتاب‌های متعددی نوشته است. چیزی حدود ۲۳ کتاب و برنده جایزه‌های مطرح متفاوتی از جمله مقام شوالیه از سوی ملکه انگلستان در سال ۱۳۸۵ شمسی شده است. از میان تمامی آثار او پرحاشیه‌ترین کتاب اثر پنجم او یعنی آیات شیطانی بوده است که در تاریخ ۴ مهر سال ۶۷ منتشر شد و منجر شد تا اعتراضات شدید از سوی مسلمانان جهان از جمله در کشورهای بنگلادش، ایران، سودان و آفریقای جنوبی صورت پذیرد و انتشار آن نیز در این کشورها ممنوع اعلام

شود. این کتاب یک رمان و براساس افسانه غرائبق، پیامبر اکرم، جبرائیل و صحابه پیامبر را مورد اهانت قرار داده است. افسانه غرائبق مربوط به این ادعا است که پیامبر اسلام (ص) هنگام تلاوت سوره نجم، تحت تأثیر ابلیس دو عبارت غیرقرآنی را بین آیات این سوره خوانده و پیامبر اسلام و مردم تصور کرده‌اند که این دو عبارت نیز، آیات وحی است. اما بعد جبرئیل پیامبر (ص) را از این اتفاق آگاه ساخته است. این داستان ادعا می‌کند که این مسأله حدود دو ماه پس از هجرت مسلمانان به حبشه روی داده است.

در ۲۵ بهمن سال ۱۳۶۷ حکم اعدام او از سوی رهبر انقلاب امام خمینی رحمت‌الله علیه صادر شد و این در حالی بود که کشورهای غربی به وضوح حمایت خود را از سلمان رشدی و اکاذیب او با اعطای جوایزی مثل جایزه وایت برد انگلیس در ۱۷ آبان همان سال همراه با انتشار کتاب نشان دادند.

در طول تمام این سال‌ها تا بدین روز همان‌طور که در بیانات رهبر وقت جمهوری اسلامی یعنی امام خامنه‌ای آمده است حکم امام خمینی رحمت‌الله علیه در مورد سلمان رشدی هرگز قابل تغییر یا لغو نخواهد بود.

علاوه‌بر اقداماتی که علیه شخص سلمان رشدی توسط مردم مسلمان مثل مصطفی مازح لبنانی و یا ابراهیم عطایی در سال ۱۳۶۸ صورت گرفت که البته ناموفق هم بوده‌اند. ناشران و مترجمان این کتاب نیز در مناطق مختلف جهان مورد تهدید قرار گرفتند.

برخی از صاحب نظران غربی معتقد بودند که رهبر انقلاب در صدور حکم شریعت اسلام زیاده‌روی کرده و بدون این‌که قضاوتی عادلانه در این‌باره صورت پذیرد، حکم به قتل سلمان رشدی داده‌اند ولی این در شرایطی است که نمی‌توان حقیقت گناه بودن هتک حرمت به ساحت مقدس پیامبران به‌ویژه حضرت رسول اکرم و ائمه

اطهار را انکار کرد.

زندگی سلمان رشدی بعد از صدور حکم اعدام مخفیانه شد. مأمون او کشور انگلستان بود تا این‌که در سال ۲۰۰۰ میلادی در شهر نیویورک ایالات متحده آمریکا مشغول به زندگی شد. او در مصاحبه‌ای با «دیلی‌میل» روزنامه انگلیسی درباره اولین احساس خود بعد از مطلع شدن از حکم امام خمینی، می‌گوید: «حس خوبی نبود. حس کردم که من یک مرد مرده‌ام... قدم زدن بدون یک محافظ شخصی، رفتن به خرید، دیدن خانواده، پرواز با هواپیما و تمام این‌ها در آن زمان برای من غیرممکن بود».

سرانجام در اوت ۲۰۲۲ مصادف با ۲۱ مرداد سال ۱۴۰۱ شمسی هادی مطهر ۲۴ ساله و اهل ایالت نیوجرسی با چاقو به وی حمله و جراحات سنگینی به او وارد کرد. پس از این حمله او یک چشم خود و کنترل یک دستش را از دست داد؛ ولی همچنان زندگی او ادامه دارد.

امکان بررسی و تشریح این کتاب به دلیل تخصصی بودن مباحث مطرح شده در آن و گستردگی مطالب در یک متن کوتاه وجود ندارد؛ ولی می‌توان این حقیقت را پنهان کرد که هتک حرمت به محضر پیامبران و ائمه اطهار کاری ناشایست بوده و مقابله حتمی با خود را می‌طلبد و بر تمامی مسلمانان این ایستادگی واجب است. افرادی مثل سلمان رشدی هندی-انگلیسی، سلوان مومیکا ۳۷ ساله شهروند عراقی-سوئدی و راسموس پالودان سیاستمدار دانمارکی و همراهانش که به مقدسات مسلمانان در طول تاریخ بی‌حرمتی کرده‌اند، کم نبوده‌اند و مقاومت ما مسلمانان نیز با امید به عملی شدن وعده الهی ادامه‌دار است.

"إِنَّ الدِّينَ يُدْوِنُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَاباً مُّهِيناً" آن‌ها که خدا و پیامبرش را آزار می‌دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آن‌ها عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است.

حزب الله

آشنایی با حزب جمهوری اسلامی

● فاطمه پیروزی - کارشناسی ادیان و عرفان

به افراد مهم، متوجه این حزب نمودند. سوء قصد به افرادی چون آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد هنگام سخنرانی توسط گروه فرقان اتفاق افتاد.

ماجرای شهادت آیت‌الله بهشتی برای اکثر ما آشناست. ایشان که نخستین دبیرکل حزب بودند، در روز ۷ تیر سال ۶۰ به همراه هفتاد نفر دیگر در دفتر کارشان به شهادت می‌رسند و بعد از ایشان شهید باهنر به دومین دبیر کلی حزب منصوب می‌شوند؛ که ایشان هم همراه شهید رجایی، رئیس جمهور وقت در دفتر حزب به شهادت می‌رسند، که شهادت این افراد که از اعضای موثر حزب بودند، لطمه‌های زیادی به حزب وارد کرد.

بعد از تشکیل نظام جمهوری اسلامی بر اساس قانون اساسی، اختلافاتی در قوانین خصوصا قوانین اقتصادی به وجود آمد. این اختلافات به درون حزب جمهوری اسلامی و بین مسئولان حزب هم کشیده شد و اخبار آن به امام خمینی رسید.

دبیران و مسئولان حزب ادامه فعالیت را موجب دوگانگی و ایجاد تفرقه بین نیروهای انقلابی دانستند و به این ترتیب آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله رفسنجانی، ضمن ذکر موجهات تاسیس حزب جمهوری اسلامی و اثرات حزب بر روی تحکیم نظام، ادامه فعالیت حزب را بهانه‌ای برای دودستگی نیروهای انقلاب متذکر شدند و رای شورای مرکزی بر تعطیلی حزب و توقف فعالیت‌های آن را اعلام کردند و امام خمینی نیز با آن موافقت کردند.

به این صورت بود که فعالیت انقلابیون در قالب حزب در سال ۱۳۶۶ متوقف شد و ادامه فعالیت‌ها خارج از تحرُّب و در نظام جمهوری اسلامی انجام شد.

شناختن یک حزب است که اشاره به مواردی از آن خالی از لطف نیست. اهدافی مانند استمرار بخشیدن به شور مبارزه در میان مردم و حفظ وحدت آن‌ها و آموزش دادن این مفاهیم به جوانان، انتقال تفکرات صحیح دینی، تبیین انقلاب و تشریح چگونگی ایجاد یک نظام اسلامی و...

در سال‌های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت‌های دوسویه مسئولان حزب، کارشان را دشوار ساخته بود. یعنی از یک سو تحکیم پایه‌های حزب و از سوی دیگر سازماندهی توده مردم در مسیر همکاری با حکومت؛ اما نتیجه این فعالیت‌ها و تلاش‌ها قابل ذکر است. مثلا برگزاری انتخابات جمهوری اسلامی در ۱۰ فروردین ۵۸ و معرفی نامزدهای واجد شرایط به مردم توسط این حزب انجام شد و مقابله با ضدانقلاب و شرکت در جنگ تحمیلی از فعالیت‌های دیگر آن بود.

و اما نکته قابل توجه دیگر این‌که هر حزب یا گروه خاص رسانه‌ی مخصوص به خود برای انتشار مفاهیم و اخبار خود دارد که جمهوری اسلامی از این ویژگی محروم نبود. این حزب در ۹ خرداد ۱۳۵۸ اولین شماره از روزنامه خود را به نام روزنامه جمهوری اسلامی منتشر نمود که صاحب امتیاز آن آیت‌الله خامنه‌ای بود.

حزب جمهوری اسلامی با تمام فعالیت‌ها و با وجود تشکیلات مناسب عاری از مشکلات نبود بلکه بیشتر از سوی احزاب ضدانقلاب مورد سوء قصد قرار گرفت. همان‌طور که گفته شد، این حزب شامل یک شورای مرکزی که بر دیگر از اعضا به نسبت فعالیت‌ها و... برتری داشتند، می‌شد و خود این شورا اعتراض گروه‌های مختلفی را برانگیخته بود و حتی گروه‌های ضدانقلاب که جرأت اعتراض مستقیم به امام خمینی نداشتند، اعتراض خود را از روش‌های مختلف از جمله سوء قصد

شاید در بین احزابی که قبل، همزمان و بعد از انقلاب تشکیل شده و فعالیت داشته‌اند اطلاعات مختلفی داشته باشیم، اما حزب جمهوری اسلامی با وجود فعالیت‌های موثر، به‌عنوان یک حزب، کمتر شناخته شده باشد.

افراد مهم و بسیار اثرگذار انقلاب اسلامی اعضای این حزب را تشکیل می‌دهند. در واقع پیش از تاسیس این حزب اعضا چه به صورت گروهی و چه جداگانه فعالیت‌های خود را انجام داده و اهداف خود را پیش برده و انقلاب را به ثمر رسانده‌اند؛ اما تاسیس رسمی حزب به بعد از انقلاب برمی‌گردد که در ادامه ذکر خواهد شد.

حزب جمهوری اسلامی با تشکیلات بسیار قوی و موثر در سال ۱۳۵۷ تاسیس شد و بسیار مورد قبول و استقبال انقلابیون قرار گرفت. تشکیل این حزب و انسجام اعضای موثر و انقلابی برای پیشبرد بهتر انقلاب و تحکیم ارزش‌های آن ضروری بود.

اندیشه تاسیس حزب از سال ۱۳۵۶ در ذهن مسئولان حزب پرورش یافته بود اما به‌خاطر زندانی و تبعید شدن برخی از عناصر مهم آن مانند آیت‌الله خامنه‌ای، تشکیل آن به تعلیق افتاد. ایشان، شهید بهشتی، شهید باهنر، آقای رفسنجانی و سید موسوی اردبیلی از موسسان حزب بودند. امام خمینی نیز چند روز پس از فروپاشی حکومت پهلوی تاسیس رسمی حزب را اعلام کردند.

آیت‌الله خامنه‌ای اعلامیه را به نگارش درآوردند و در تاریخ ۲۹ بهمن سال ۵۷ در محل کانون توحید تهران جلسه شورای مرکزی با حضور پنج موسس حزب و بیست و پنج نفر دیگر از طبقات مختلف جامعه از جمله دانشگاهیان، روحانیان و بازاریان برگزار شد.

اهداف تاسیس حزب از جمله موارد مهم

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: زهرا سعیدی

سردبیر: نرگس خطیب دماوندی

هیئت تحریریه: ریحانه زین‌الدینی، نرگس خطیب

دماوندی، فاطمه پیروزی، ریحانه صالحی‌فر

صفحه آرا: نرگس خطیب دماوندی

شماره تماس: ۰۹۳۹۱۰۰۶۸۴۷ / ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶

صفحه آرا: نرگس خطیب دماوندی

